

تفسیر باریک جوفت عیبت اسلام سلسله آیت از طالع شرف زار

قدیت قسم سلام عظیم عرفی است باریک آن یعنی درسم فداوند طالع عمر و بحر عظیم غنیت بر ما بدینین سیر آیت محمد که وقت  
خود را بنیاطه شرعیه سبب در راه از راه و اینها سلسله درین نظرند - جوفت عیبت عظیم اجاره بنیاطه خود را بوی جوفت تمام اگر بنیاط  
ببارک آن باشد در تمام آنست که در درازای از جوفت طالع میرفتا طاعت بند قسط چند قوه موقوت سلام و عیبت مضم  
لاکنخ اجاره نمیدادند حضرت آن توقف را از خود که در کفینش بود فتنه براریم نام از کفر فراریدگان زمان خود در فرستاده بر ما که (ن)  
و اولی است بود بیشتر از نظیر شرفی است - تویم داشته باشد نام صیغه فراه بارک خدایت کرد مدارک کتبی از اولی درم که در موقع  
مقتضی حضرت آن عرقه خراپ است که مقهور داشته نسبت به تقدیر و در وقت از اولی رسیدگی شود - یاد دارم اولی دفعه که من آیت  
نائل ششم سوار سلام و عیبت فرموده در کف شرفی خراپ بود یعنی راجع است بملک و محقق آن جاب جوفت آیت است عظیم و مضم  
ایضا خوانده با ملت از آن و آن نیست که در شرح داده اند یعنی زیر شرایط آن جاب ملزم - ظلمی که بنیاطه جوفت آیت در شرح  
با آیت لغوی از آن تشریح و تقسیم عیبت لکن تقدیر عظیم را مضم است که در شرح داشته باشد معنی تمام از آنکه منبر ۴ و ۵ سال طرد  
و در شرح فرزند ذکر کنیم اولی در حال حاضر ۱۳ سال دارد و در شرح تمام ساله در شرح سال ششم نیز شرحی باشد بود مدتی  
کتبی در آن دانشمند شرفی آنرا که در شرح بنیاطه تجردت به حال که در کتب باقیه اصول جاب عیبت جوفت است از سلام تویم در شرح عمل  
میرفتا طاعت به شرح چهارده بنیاطه شرح اولی و در شرح بنیاطه من نائل هم کرد در اول سال ۱۳۱۱ که به قول مخالف بریم آید و بنیاطه  
که آنهم مثل از جوفت بود بنیاطه کوه نورد در حال مدارک داشته بود در آن کوه جوینار زنده در آن کوه وضع خدمت است آنها و  
تا بود کردند در شرح لکن در اولی در شرح کشته جوفت عیبت اسلام از جوفت خدایت در شرح اولی در شرح و جوفت عیبت  
که آنهم اولی از آنکه در جوفت واقع بودند و تمام منور بود از شرح ضایع از شرح خدایت صابران بود است مدارک آن شرح نام از آن  
ند و ششم که در کف جوفت بود مضم و در شرح عیبت ضایع جبراریم و کوه از بنیاطه بریم و مضم فدا یا اتفاق حق بکن اجاره به بنیاطه  
شرفی از جوفت عیبت - گویند که در شرح عمل شود در شرح عمر - آیت بود و لکن بجزل چکر شود - جوفت آیت نام بار  
بنیاطه شرح است در شرح در شرح کوه که اولی بنیاطه بود عیبت کوه بود تا آنکه نثار آنهم جدا در داد که جملین و مدارک  
آورده باشد بنیاطه به خواننده و با شاکت خشم کرده و نورد در شرح بنیاطه او را در شرح فرایند کرد بود در شرح بریم جاب عظیم و در شرح  
آیت طاعتی در راه و شرح در شرح بنیاطه که آیت طاعتی از شرح در شرح جاب عیبت جوفت از شرح جاب عیبت جوفت در شرح  
عزل ازیم از همان موقع که در شرح از شرح در شرح کاند ایسان در شرح همیشه ناراحت بود در شرح بریم بنیاطه که در شرح  
زیر شرح جملین شرفی بود مضم امکان در شرح کتبی جملین در شرح جاب عیبت جوفت که بنیاطه با آیت محمد بنیاطه بود در شرح  
قدوس سکن شده بر شرح جوفت آیت طاعتی عیبت بنیاطه از شرح وقت گرا از شرح آن جوفت مضم نام اگر بنیاطه  
مطابق و عیبت بنیاطه از شرح در راه اگر فداوند توفیق دید بنیاطه حضرت نائل بنیاطه عیبت جوفت جاب عیبت جوفت  
سکن ادو مستان در بار آن جوفت سوار تندیل در اولی در شرح بنیاطه در شرح جاب عیبت جوفت جاب عیبت جوفت  
که در شرح بنیاطه بر بار درین و شایب یعنی با ننگه بود بنیاطه نام طاعتی آیت مضم بنیاطه و آن فداوند بنیاطه

کتابخانه آنلاین «طاقانی و زمانه ما»

حجوت آیت ال تعین می باشد مگر که ۳۵۰ سال مخصوصاً ۵۵ سال از آن استقامت و استیاد بوده که خون این  
ملت به عجز ریزد خون خون استوار در دستها بر شده تا کمره فورا آزاد و صفای پیدا شود و قی زان وقت  
و در روز فداوند بزرگ شدت داریم با هدایت و در هر حال آیات بود که در عمل حقوق فداوند در حق عبادت بنمایند  
و حجوت آیت ال اجاره به هدایت عظمی نایم طبقه روحانی تا نور کبریا صفات و سادات او بوسیله روح و سنن  
منطقه فکر مردم کوته فکره محض کرده اند در این حدیث استماع کنیم او را مورد داریم در فانی نمایان که بیست و نه  
معلوم است جدا از ذرات در کار اجتماع منع کند آن عده دیگر که قابل اصلاح باشند مورد داریم بر روی کتب  
نسخه را اصلاح حقیر بنویسد بعد از آنکه انسان دادند و تصدیق می یابند که تعالی کسور بخیر بود در او  
از قدرت و عمل در گفتار اثر بیست - حجوت آیت ال تعین روحانی باطن بنویسد بر این چهاره نمی گویند که  
ن مردم جان خود ملک موقوفه به تبدیل یافته کرد - آری هر دستور داده اند موقوفات به تبدیل کنند  
با اصلاح و تبدیل در روز دیگر که سبقت کار نشود نیست شرح مفصل هم عیلم دارد کار که خود در  
با عیلم تبدیل درست کرد - بنابراین حجوت آیت ال محض رفتار خدا عیلمی یکم در یکی  
بر صحت رفته اند و قاضی عکرم حنون و غیره رژیم طائفه بوده اند و لازم است به تن دارند و قابل  
میکنند می دانند با قلم فردی خود را اصلاح کند و مردم آنها را می شناسند محض رفتار خدا اثر  
این عده و از مردم مورد داریم در دست عده ای هم دفتر داریم و مردم کوته فکر و اولاد نیستند  
با در بنویسد صیفه در اصل هم بود نیست چون رژیم طائفه در اختیار این نهادند X  
با عفو قدرت و تعین اقوات است - در این - قدر حال فداوند ازواج

۱۸/۱۲/۵۷